

بین الطلوعین...

شماره ۴

به نام خدا



"انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام، به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد"

(امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۷)



یادداشت سردبیر:

قصه خلقت عالم این بود:

کوثر؛ دختر و مادری برای پدر

علی؛ جان و جانشین نبی

"نور علی نور" تا..... مهدی

"شیعه"، باید نقطه چین را پر کند

"اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ"

تا انقلاب مهدی

«انقلاب اسلامی خطرناک‌ترین دشمن مشترک غرب در سراسر تاریخ آن است.» این جمله از جورج شواتز (وزیر سابق دارایی آمریکا) است. این عبارت نمونه‌ای از تحلیل و تفسیرهای بیشمار است که دشمنان، از انقلاب اسلامی ما دارند. تحریم‌های بیشمار، تهدیدها و ترورها و حتی جنگ تحمیلی هشت ساله‌ی دنیا با ملت و انقلاب ایران نمونه‌های غرض ورزی و دشمنی بارز استکبار با انقلاب است و ممکن است این سوال در اذهان پدید آید که چرا چنین جمله‌ای در وصف هیچ‌یک از انقلاب‌های دنیاییان نشده؟ یا مگر این انقلاب چه ویژگی خاصی داشته که دشمنان را چنین برآشفته است؟!

آنچه در بهمن ۵۷ رخ داد به ثمر نشستن تلاش‌های مردمی بود که برای رسیدن به استقلال و آزادی کشورشان پس از سالها مبارزه با استبداد و استکبار، استقرار حکومتی بر پایه‌ی جمهوریت و اسلام را در کشور رقم زدند. فجری که در کلام علامه حسن زاده آملی به ظهور صغرای حضرت بقیة اللّٰه و زمانه ما به بین الطلوعین (فاصله زمانی طلوع فجر تا طلوع آفتاب) تشبیه گردید تا در این بازه زمانی مقدمات ظهور و حکومت حضرت فراهم شود چرا که به تعبیر ایشان از آنجا که جهان و جهانیان ظرفیت پذیرش ناگهانی نور وجودی امام زمان را نخواهند داشت و همانطور که غیبت حضرت به مرور رخ داده است، ظهور نیز تدریجی خواهد بود. امام خامنه‌ای در بیانات خود در ۱۳۸۸/۱۰/۲۹ می‌فرماید: «انقلاب اسلامی یک حقیقت و برخاسته از یک سنت الهی است، این رانمی شود از بین برد و یا متزلزل کرد.» آنچه از کلام رهبران این انقلاب برمی‌آید، اعتقاد به ارتباط ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران با پدید آمدن ظهور است. این دیدگاه و چشم انداز است که موجودیت نظام را مقدس مینماید و حفظ آن را از واجب و اجبات میدانند.

پس آنچه در ایران رخ داد صرفاً انقلاب و تغییری نبود که در یک کشور صورت گرفته باشد و تا ابد محدود به آن بماند، نظام جمهوری اسلامی به عنوان پایگاه اصلی ترویج ایدئولوژی اسلامی زمینه ساز ظهور است. انقلابی که از ایران آغاز شد و همچنان ادامه دارد و ان شاء الله پیروزی آن را با استقرار حکومت جهانی عدل جشن خواهیم گرفت. پس جای تعجب نیست که این دورنمای ارزشمند، به همان اندازه که سبب فخر و مباهات ملت آغازگر این انقلاب است، موجب ترس و دشمنی حکومت‌های مستکبری باشد که بازورگویی و جنگ افروزی، ملت‌ها را به استعمار می‌کشند. چه افتخاری از این بزرگتر که انقلاب عزیز مردم ما، بعد از ۴۰ سال در گام دوم خود، روز به روز توانمندتر و قوی‌تر می‌شود، در دل آزادگان دنیا ریشه می‌دواند و با شاخ و برگش روی سر مستضعفان دنیا سایه می‌افکند. تا آن روز که وعده‌ی الهی محقق گردد، درخت انقلاب بارور شود و مستضعفان وارث زمین شوند.

نگارنده: نفیسه پورباقر

کوثر

آنان که پیامبر خاتم را ابر خواندند، نمی دانستند پیامبر و آل او بهانه خلقت آسمان ها و زمین هستند. آن زمان که حضرت ابراهیم از آزمون ذبح فرزندش اسماعیل سربلند بیرون آمد، خداوند او را به مقام امامت نائل کرد و دعایش را درباره قرار دادن امامان در نسل ایشان اجابت فرمود.

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١٢٤﴾ بقره

و (یاد کنید) هنگامی که پروردگار ابراهیم، او را با دستوراتی آزمود؛ و او به طور کامل از عهد آنها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم». ابراهیم گفت: «از دو دمان من (نیز امامانی قرار بد)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد (مگر آنها که شایسته اند). همچنین خداوند در آیه ۵۴ سوره نساء وعده‌ی حکمرانی بر زمین را به آل ابراهیم می دهد و آن را از فضل خود می داند:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا

بلکه حسد می ورزند با مردم (یعنی پیامبر و مسلمین) چون آنها را خدا به فضل خود برخوردار نمود. که البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنها مملکت و سلطنتی بزرگ عطا کردیم.

این گونه بشارت ها در باره‌ی عطای عظمت، کثرت و حکومت به آل ابراهیم به بعد از اسلام محدود نیست در ترجمه فارسی کتاب پیدایش باب ۱۷ آیه ۲۰ چنین آمده است:

"امادر مورد اسماعیل ترا اجابت نمودم اینک او را برکت داده، بارور و کثیری گردانم و دوازده پادشاه از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم"^۱

یاد در مکاشفات یوحنا آمده است: «زنی را دیدم که لباسی از آفتاب به تن داشت، ماه زیر پایش بود و تاجی از دوازده ستاره بر سر داشت... زن فرزندی به دنیا آورد که با عصای آهنین به دنیا حکومت خواهد کرد.»

در طول سالها اهل کتاب در جستجوی نشانه‌های این برکت و کثرت و وعده داده شده در عهدین بودند که جواب آنها در قرآن داده شد و خداوند همزمان با ولادت یگانه دختر پیامبر اسلام در سوره کوثر بشارت تحقق کثرت و وعده داده شده به جهانیان را اعلام داشت.^۲

نگارنده: عاطفه جلالی

^۱: در متن عبری آرای به نام حضرت محمد اشاره شده است و آنچه به عنوان پادشاه ترجمه شده، کلمه ایست به معنای حاکم بر کل مردم که شیعیان به ایشان امام می گویند.

خبر البریه

ممتاز بودن شخصیت استثنایی و بی نظیر حضرت علی (ع) و نقش عظیم ایشان در تحولات صدر اسلام و سیره و منش این پیشوای بزرگ، از واقعیت‌های مسلم و غیر قابل انکار تاریخ است و هیچکس جز خدا و حضرت محمد (ص) نمی تواند ایشان را معرفی کند چرا که معرف باید اجلی (یعنی واضح تر و روشن تر) از معرف باشد. بنابراین تنها خداوند متعال یارای بیان صفات ایشان است و یا رسول حق، که سفیر خداوندی است توان یادآوری ویژگیهای وزیر و پسر عم خود را داراست.

آیات متعددی از قرآن درباره علی (ع) نازل شده است چنانکه علما حدود ۳۰۰، ۵۰۰ و یا ۷۰۰ آیه از قرآن را راجع به آن حضرت دانسته اند. این آیات را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. آیاتی که مفسران آنها را به حضرت علی (ع) مرتبط دانستند. مانند آیه ۶۱ سوره آل عمران، معروف به آیه مباهله. این آیه در جریان مباهله پیامبر با مسیحیان نجران نازل شده و از روشن ترین دلایل قرآنی بر فضیلت اهل بیت عصمت و به ویژه امیر مؤمنان (ع) است. در این آیه آمده است: «... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتِهَلْ فَجَعَلَ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ». علاوه بر شیعیان، علمای اهل سنت، در کتب صحیح خود، با استناد به قرائن درون متنی و برون متنی مصداق «انفسنا» را علی (ع) به تنهایی یا محمد (ص) و علی (ع) می دانند.

۲. باطن و تاویل برخی آیات درباره حضرت علی (ع) است. مانند: مرج البحرين در آیه ۱۹ سوره الرحمن که بر اساس روایات به حضرت علی (ع) نسبت داده شده است. امام صادق (ع) و امام رضا (ع) در ذیل آیه شریفه (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، دو دریا را در هم آمیخت تا به هم پیوستند و در یک جامع شدند)، فرموده اند: مراد از این دو دریا امیرالمؤمنین علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) هستند.

۳. آیات تطبیقی: به عنوان مثال در روایات آمده است که علی (ع) صراط مستقیم است. یعنی یکی از مصادیق کامل صراط، آن حضرت هستند. در آیه ۴۳ سوره زخرف خداوند خطاب به پیغمبر (ص) می فرماید: «إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ یقیناً تو بر راهی راست قرار داری»، تو در چیزی انحراف نداری و هر قدمی که برمی داری و هر روشی که داری و هر حرفی که می زنی، صراط مستقیم است. این آیه شریفه با استفاده از لغت «ان» به معنی حتما و یقیناً، تأکید خود را بیان می کند.

در منابع شیعی و غیر شیعی نقل شده است که مردم پیش پیغمبر (ص) می آمدند و می پرسیدند: منظور از صراط مستقیم در سوره های مختلف قرآن چیست؟ پیغمبر (ص) دست مبارک را روی شانه امیرالمؤمنین (ع) قرار می داد و می فرمود: هذا صراط مستقیم. او عین صراط مستقیم است.

۴. آیاتی که در شأن علی (ع) نازل شد: یکی از نبردهایی که در آن دلاوری، رشادت و ذکاوت حضرت امیر المومنین (علیه السلام) برای مسلمین پیروزی ارزشمند و بزرگی به بار آورد، جنگ ذات السلاسل بود و سوره عادیات در شأن حضرت امیر المومنین (علیه السلام) و در وصف دلاوریهای ایشان در این جنگ نازل شد.

حضرت علی علیه السلام در احادیث نبوی نیز دارای جایگاه برجسته‌ای هستند.

در روایتی از حضرت رسول (ص)، ایشان حضرت علی علیه السلام را آینده‌ی تمام نمای اندیای گذشته معرفی می‌کنند و امیر المومنین را تجسم همه‌ی پیامبران میدانند.

قال رسول الله صلي الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوْحٍ فِي عَزْمِهِ، وَآلِي آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَآلِي إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَآلِي مُوسَى فِي فِطْنَتِهِ وَآلِي عِيسَى فِي زُهْدِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ..

هر کس می‌خواهد نوح را در پایداری‌اش، آدم را در دانایی‌اش، ابراهیم را در بردباری‌اش، موسی را در زیرکی‌اش و عیسی را در پارسایی‌اش بنگرد، باید که به علی بن ابی‌طالب نظر کند (تاهمه‌رایک جابیند).

همچنین می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ أَخْصِمَكَ بِالنُّبُوَّةِ وَلَا نُبُوَّةَ بَعْدِي وَتَخْصِمِ النَّاسَ بِسَبْعٍ وَلَا يُحَاجُّكَ فِيهِنَّ أَحَدٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَنْتَ أَوْ لَهُمْ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَآوْفَاهُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَآوْفُوهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَأَقْسَمُهُمْ بِالسَّوِيَّةِ وَأَعْدَهُمْ فِي الرَّعِيَّةِ وَأَبْصَرُهُمْ فِي الْقَضِيَّةِ وَأَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَرْيَةَ».

علی جان تو هفت ویژگی داری که هیچکس ندارد. اگر هم داشته باشد تو در قله هستی و او در دامنه پس هیچگاه به تو نمی‌رسد. هفت ویژگی خاص حضرت علی (ع) از زبان پیامبر (ص) بدین شرح است: ای علی! تو در همه کمالات با من برابر هستی تنها مقام نبوت در تو نیست؛ چرا که بعد از من دیگر پیامبری نخواهد آمد. تو امتیازهایی داری که هیچ‌یک از قریش چنین نبودند؛ در میان آن‌ها نخستین کسی هستی که به خدا ایمان آوردی، در پیمانی که با خدا بسته‌ای با وفاترین آن‌ها هستی و در میان قریش تنها کسی هستی که فرمان خدا را اجرائی کنی، تو در تقسیم کردن اموال بهترین تقسیم‌کننده‌ها، در میان مردم عادل‌ترین آن‌ها و در امر قضاوت بیناترین مردم هستی و برتری تو در نزد خدا بس بزرگ و با عظمت است.

نگارنده: سمانه علیزاده

امام هادی (ع) و سازمان وکالت

در جوامع کنونی لزوم ایجاد شبکه‌های ارتباطی برای حفظ، تقویت و انسجام اجتماعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. برخی از ائمه نیز با توجه به شرایط موجود در زمان امامت خود به ایجاد چنین شبکه‌های ارتباطی اهتمام ورزیدند. امام هادی (ع) که در زمان خود سرآمد علویان و امامت‌ش مورد اتفاق شیعیان بود، در طول زندگی تحت مراقبت شدید حکومت عباسی قرار داشتند. آنان امام را از مدینه به سامرا که منطقه‌ای نظامی بود منتقل کردند تا حرکات امام از چشم جاسوسان حکومتی پنهان نماند. در آن دوره نظامی‌گری، جای تدبیر و حکومت‌داری و فرهنگ محوری را گرفته بود، امام، شیعیان را از درگیری‌های بی‌نتیجه نهی کردند تا با هدایت و اذن امام در مناصب حکومتی نفوذ کرده و بتوانند در مواقع لزوم از مشکلات شیعیان بکاهند.

سازمان وکالت با روی کار آمدن بنی عباس، توسط امام صادق ع تاسیس گردید. فعالیت‌های این سازمان دستخوش تغییراتی بود ولی هیچ‌گاه متوقف نشد و همواره در راستای اهداف ائمه به فعالیت خود ادامه داد. هدف اصلی امام هادی (ع) بسط و گسترش سازمان وکالت، برطرف ساختن شبهات و انحرافات، رسیدگی به وضعیت شیعیان و ارتباط با آنان در آن دوران پر خفقان و سرکوب بود.

امام (ع) به عنوان رهبر سازمان وکالت، به تبیین و معرفی وکلای نواحی به شیعیان و تبیین وظایف آنان و بررسی عملکردشان پرداخته و در این بین به شناساندن فضایل و شخصیت آنان و گاه رد اتهامات نادرست علیه آنان و در عین حال نظارت دقیق و عزل وکلای فاسد اقدام می‌نمودند. ایشان همچنین به منظور حفظ و حراست از موجودیت سازمان وکالت، در شرایط خفقان حکومت عباسی، به معرفی جریان‌های دروغین وکالت و بابت و برخورد با آنان می‌پرداختند.

پس از رهبر سازمان، شخصی به عنوان باب یا همان وکیل الوکلا قرار داشته است که همچون مدخلی برای ورود دیگران به ساحت علم اهل بیت و همچنین سد و مانعی برای دسترسی دشمنان به ائمه عمل می‌نمود و شیعیان به جای مراجعه مستقیم به امام، غالباً به ابواب مراجعه می‌کردند. در زمان امام هادی (ع)، عثمان بن سعید عمری، باب و وکیل الوکلای امام بوده است و در شرایطی که عمال حکومت عباسی به امام بسیار مظنون شده بودند، افراد با ایشان در ارتباط بودند. عثمان بن سعید مردی شریف و از اصحاب امام بود و در ده سال آخر دوران امامت حضرت، رهبری سازمان پنهانی وکالت را بر عهده داشت و روابط داخلی سازمان و روابط بین مرکز با شعب را در استان‌های دور تنظیم می‌کرد. از جمله وظایف او نظارت بر

کارسروکیل هاجهت دریاقت اموال و وجوهات و پاسخ به مسائل شرعی و سیاسی بود. وی در زمان امام حسن عسکری (ع) نیز به عنوان وکیل کل منصوب شد.

دفتر مرکزی سازمان، تابع محل سکونت امام بود. بنابراین در سامرا افرادی به عنوان معاونین عثمان به او در انجام امور مدیریتی و اجرایی کمک می‌کردند تا جاسوسان حکومتی حساس نشوند و سروکیل های مناطق چهارگانه از طریق نامه‌ی وکلای سیار و همین معاونین ساکن در سامرا با امام در ارتباط بودند.

در سازمان وکالت، مناطق تقسیم بندی شده و برای مناطق وسیع یک وکیل ارشد یا سروکیل از طرف امام (ع) منصوب و بر کار وکلای اعزای به مناطق تحت قلمرو نظارت می‌کردند. وکلای محلی به عنوان رابطی بین شیعیان و سروکیل از دستورات سازمان پیروی و وجوهات و نامه های شیعیان را جمع آوری می‌کردند و شیعیان را از نصب سروکیل جدید مطلع می‌ساختند و زمینه را برای انجام فعالیت های او آماده می‌کردند.

در این میان برخی از وکلا فقط مسئولیت خدمت به امام را برعهده داشتند و امورات شخصی امام را انجام می‌دادند، به آنها وکیل خادم می‌گفتند. پس از عزیمت وکلا به منطقه ماموریت خود، نمایندگانی از سوی امام به صورت سیار بین محل استقرار رهبری سازمان و محل اقامت وکلای نواحی در رفت و آمد بودند و مهم ترین وظایف آنان تحویل وجوه شرعی جمع شده نزد وکلا و نظارت بر پیشرفت کار وکلا بود و ایشان امام را از مشکلات احتمالی و مسائل موجود با خبر می‌ساختند البته در منابع رجالی مستقیماً عنوانی به نام وکیل سیار وجود ندارد.

همگی وکلا در یک سطح و مرتبه نبودند و برخی از وکلا جزو اصحاب برجسته و متمایز و دارای مقامات علمی و دینی بالا بودند و برخی مقام بابت امام را داشتند و علاوه بر نقش مالی داری نقش دینی، ارشادی و علمی نیز بودند. برخی به عنوان مبلغ به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند تا به ترویج فقه شیعه و امامت پردازند. از جمله وکلای مبلغ می‌توان به عبدالعظیم حسنی اشاره کرد.

با توجه به عملکرد چندجانبه این سازمان و گستردگی عملیاتی آن و وجود فضای خفقان و سرکوب در زمان عباسیان، امام، دارای مسئولیتی سنگین و نقشی حساس بودند.

نگارنده: سوده خراسانی

گاهنامه فرهنگی، سیاسی اجتماعی بین الطلوعین

شماره ۴

سردبیر: نفیسه پورباقر

شورای نویسندگان:

سهانه علیزاده، سوده خراسانی، فائزه کیوانی پور، عاطفه جلالی